





# کلمه آرا مش



جایگاه و نقش پسر در خانواده



چایگاه و نقش پسر در خانواده

به سفارش معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی  
آستان قدس رضوی

نویسنده: امیر حسین بانکی پور فرد، ملیحه نقش زن  
ویراستار: سید حمید حیدری ثانی (مؤسسه «ویراستاران»)  
صفحه آرا: سجاد داد خواه

چاپخانه: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس  
شمارگان: ۲۵۰۰۰ جلد  
ناشر: به نشر  
نوبت چاپ: اول

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی  
سندوق پستی: ۹۱۷۳۵.۳۵۱  
تلفن: ۳۲۰۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است



## فهرست

احساس ضعف و ناخوشایندی از گریه	۱۵	درآمد: جای پسران در پازل	۶
بروز ضعیف احساسات	۱۵	جهان هستی کجاست؟	۶
خطرپذیری	۱۵	فصل اول: پسران چگونه اند؟	۹
فصل دوم: پسران برای خانواده چگونه اند؟	۱۷	پسران بالغ	۱۰
پسران؛ مایه عزتمندی خانواده	۱۸	پرخاشگری	۱۱
پسران؛ نعمت الهی برای خانواده	۱۹	سرگشتگی و بی‌قراری	۱۱
پسران؛ زینت دهنده خانواده	۲۰	دوری از اطرافیان	۱۲
پسران؛ مایه خیر برای خانواده	۲۱	ارتباط با دوستان	۱۲
فصل سوم: پسران چگونه جوانمرد می‌شوند؟	۲۵	استقلال طلبی	۱۲
جوانمرد قدرشناس	۲۷	پسرانه‌شدن	۱۳
جوانمرد مؤدب	۲۹	قوت بدنی	۱۳
فصل چهارم: پسران چگونه توانمند می‌شوند؟	۳۳	انرژی سرشار	۱۳
پسر مسئولیت‌پذیر	۳۴	رقابت و نبرد	۱۴
پسر مقتدر	۳۶	فداکاری	۱۴
پسر مقتصد	۳۷	قدرت سریع حل مسئله	۱۴
پسر شوخ طبع	۴۰	حمایت از زنان	۱۴
کتابنامه	۴۳	جمع‌گرایی	۱۴



## جای پسران در پازل جهان هستی کجاست؟

تاکنون به مراحل تکمیل پازلی هزاران تکه‌ای فکر کرده‌اید؟ چقدر زمان لازم است تا شما با دیدن هزاران تکه از هم جدا شده و نامرتب، موضوع پازل را حدس بزنید؟ چند درصد احتمال دارد بتوانید فقط با دیدن قطعات، آن‌ها را کنار هم بچینید؟ یک اشتباه ممکن است شما را مجبور به جابه‌جایی قطعات زیادی بکند. به نظر می‌رسد تکمیل چنین پازلی، به نقشه راه والگو نیاز دارد. چینش پازل، ذهن قوی و متمرکز و نقشه خوان می‌خواهد.

در پازل جهان هستی، هزاران تکه وجود دارد و هزاران جایگاه: تکه مادر و جایگاه او، تکه پدر و جایگاهش، تکه خواهر، برادر، همسر، پدربزرگ، مادربزرگ، عمه، دایی، خاله، دختر، پسر، تکه آسمان، زمین، خورشید، ماه و... در پازل جهان هستی، وقتی همه تکه‌ها در کنار هم و در جایگاه خودشان قرار گرفتند، زیبایی و نظم به نهایت خود می‌رسد.

### جهان چون زلف و خط و خال و ابروست

#### که هر چیزی به جای خویش نیکوست<sup>۱</sup>

شما اگر در کجا قرار بگیرید، پازل جهان هستی تکمیل خواهد شد؟ مطمئن باشید اگر نباشید، این پازل ناقص می‌شود. برای یافتن جای خودتان در پازل، باید نقشه خوانی کنید. چاره‌ای نیست. البته روان‌شناسان معتقدند پسران در نقشه خوانی قوی‌تر از دختران هستند! در خانواده تعداد زیادی ارتباط وجود دارد؛ تعداد زیادی خطوط مرتبط به هم که شروع مناسبی برای حل پازل هستند.<sup>۲</sup> باید این خطوط را به هم وصل کنید. درباره قطعه پسران در پازل خانواده، سه ضلع اصلی وجود

۱. شیخ محمود شبستری، گلشن راز.

۲. سخت‌ترین پازل هزار تکه‌ای: [www.bartarinha.ir](http://www.bartarinha.ir).

- دارد که اگر این سه ضلع تکمیل شود، جای پسران در خانواده مشخص می‌شود:
- پسران چگونه‌اند؟ این سؤال درباره‌ی شناخت ویژگی‌ها و استعدادهای پسران است که آن را در فصل اول جواب می‌دهیم.
  - پسران برای خانواده چگونه‌اند؟ این سؤال درباره‌ی شناخت منزلت پسران است که آن را در فصل دوم جواب می‌دهیم.
  - پسران باید در خانواده چه کارهایی انجام دهند یا چه مهارت‌هایی کسب کنند تا با ویژگی‌ها و استعدادهایی که دارند، به منزلت واقعی خود دست پیدا کنند؟ این سؤال درباره‌ی شناخت وظایف و مسئولیت‌های پسران است که آن را در فصل سوم و چهارم جواب می‌دهیم.
- این یعنی نقشه‌خوانی پازل زندگی.







# پسران چگونه زندگی می‌کنند؟

شناخت ویژگی‌ها و استعدادهای پسران





زمانی که پسری متولد می‌شود، سؤالی مهم ذهن خانواده را به خود مشغول می‌کند: «او چگونه پسری خواهد شد؟» سال‌ها بعد سؤال مهم دیگری دغدغه اصلی اکثر پسران می‌شود: «من چگونه مردی خواهم بود؟» پسران زیادی وجود دارند که مصرانه می‌خواهند جذاب، پُر قدرت، عاقل، مؤدب، نجیب و در یک کلام، مردی به تمام معنا باشند. بلوغ و نوجوانی یعنی شروع مردشدن پسر. بلوغ و نوجوانی یعنی شبیه پدر شدن، یعنی متفاوت شدن از خواهر و مادر و نوعی پوست‌اندازی جسمی و روحی تا پسر مرد شود.

### ● پسران بالغ

در مرحله بلوغ، تغییرات به سرعت صورت می‌گیرد: مقدار هورمون تستوسترون<sup>۱</sup> هشت‌صد برابر می‌شود؛ قد و به‌ویژه درازای استخوان‌های دست و پا سریع رشد می‌کند؛ عضلات حجیم شده، صدا کلفت می‌شود و تمامی سیستم‌های عصبی

---

۱. هورمون تستوسترون؛ هورمونی است مردانه که نامش از کلمه‌ای یونانی به معنای «مردساز» گرفته شده است.

تغییر می‌کند.<sup>۱</sup> لکه در پوست، رویش موهای بدن، احساس جنسی قوی و بی‌قراری از مشخصه‌های بلوغ در پسران است. برای همین است که پسران دوست دارند گشتی بگیرند، بپرند بالا و دستشان را به چهارچوب در بزنند، مشت بزنند، با صدای بلند صحبت کنند و... .

این تغییرات به قدری زیاد است و سریع اتفاق می‌افتد که پسر و اطرافیانش را دچار حیرت می‌کند.<sup>۲</sup> چیزی شبیه به تغییر سیستم عامل DOS به سیستم عامل Windos 10 است. قابلیت‌ها افزایش می‌یابد؛ اما تغییرات آن قدر شگرف است که تطابق با آن، زمان زیادی خواهد برد. این تغییرات، خلق و خواهایی<sup>۳</sup> در پسران به وجود می‌آورد که آگاهی از آن، سردرگمی‌ها را کم و اوضاع را بسامان‌تر خواهد کرد. البته توجه به چند نکته ضروری است: ممکن است برخی از پسران همه این ویژگی‌ها را تجربه نکنند؛ اما اگر پسری هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها را در خود نداشته باشد، حتماً فردی استثنایی است. همچنین هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها منفی نیست؛ بلکه به تمامی آن‌ها برای مسئولیت‌هایی که در آینده به پسران واگذار می‌شود، نیاز است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

### ● پرخاشگری

افزایش هورمون تستوسترون باعث پرخاشگری و ناآرامی و دمدمی مزاجی پسران می‌شود. این نه به معنای بداخلاقی پسران، بلکه به معنای تقلای آنان برای تولدی دیگر است؛ تلاشی برای مرد شدن.

### ● سرگشتگی و بی‌قراری

ظهور علائم بلوغ و نداشتن اطلاعات درباره آن، موجب اضطراب و ترس پسران می‌شود. ترس از شکست در تحصیل، ترس از بروز بیماری، ترس از تنها شدن و ازدست دادن خانواده و دوستان برای پسران اضطراب‌آور است. این احساس سردرگمی، موجب بی‌اشتهایی و بی‌خوابی می‌شود و همگی این‌ها پسر را به سمت تنهایی و تمایل به گذران وقت با همسالان می‌کشد.

۱. استیو بیدالف، هنر پسررداری، ترجمه ملوک عزیززاده ص ۲۹.

۲. استیو بیدالف، هنر پسررداری، ص ۵۰.

۳. البته تظاهرات این تحولات در افراد مختلف یکسان نیست و شدت و ضعف در آن دیده می‌شود.



## ● دوری از اطرافیان

پسرها در این زمان بیشتر مایل اند با اطرافیانشان دوست باشند؛ ولی در دنیای خود به سر ببرند و کسی مزاحمشان نشود. برای همین است که برخی از پسران در این سن از مهمانی رفتن ابا می‌کنند. تفاوت این پسران با غارنشینان در این است که با دنیای بیرون خود قطع ارتباط نمی‌کنند؛ اما به تنهایی و سکوت این غار نیاز دارند. آن‌ها نیاز دارند هویت خود را بین کودکی و بزرگسالی بیابند.

## ● ارتباط با دوستان

در این دوره، پسران اشتیاق بسیار دارند که با گروه همسالان خود ارتباط داشته باشند. این نیاز، به نوجوانان پسر کمک می‌کند تا زودتر خود را با اوضاع جدید وفق دهند. آن‌ها با کسانی همراه می‌شوند که دغدغه‌های ایشان را دارند و این به آنان قدرت و انرژی می‌بخشد. یکی از خواص حضور در این گروه‌ها تقویت حس جمع‌گرایی در پسران است. آن‌ها می‌خواهند از مادرانشان فاصله بگیرند!

## ● استقلال طلبی

پسران به‌طور متمایز از دختران، به استقلال طلبی تمایل دارند. این خاصیت ناشی از وجود همان هورمون تستوسترون است که همواره در طول زندگی در آنان وجود دارد.<sup>۱</sup> البته این نه به معنای درخواست رهاشدن و بی‌تعلقی و عصیان، بلکه به معنای برگزیدن روش زندگی و تصمیم برای آینده است. پسران در این وضعیت، از خانواده خود انتظار دارند تا این استقلال را تأیید و کمکشان کنند که مسیر زندگی‌شان را پیدا کنند. البته همه این‌ها، با نزدیک شدن به بیست‌سالگی به تدریج آرام می‌شود و بدن به تغییرات ایجادشده عادت می‌کند. اگر این تغییرات جسمی و روحی به درستی هدایت شود، مردانی برای قبول مسئولیت‌های بزرگ آینده ساخته می‌شوند. در قدیم، بزرگ‌ترها برای مرد شدن پسران، برنامه‌های فعالانه زیادی داشتند. در آن زمان‌ها، وقتی «پشت لب پسری سبزی می‌شد»<sup>۲</sup> یکی از تدابیر مهم و اثرگذار، «فرستادن پسران سرکار، در اوقات فراغت» بود. این درحقیقت دوره‌ای برای کارآموزی بود. این تدبیر باعث می‌شد پسران مهارت بیاموزند، احساس

۱. مایکل گوربان، دنیای شگفت‌انگیز پسران، ترجمه سهیلا خسروی، ص ۲۸.

۲. اصطلاحی برای به سن بلوغ رسیدن پسران.



استقلال کنند، از انزوا در آیند، از محیط خانه و سروکله زدن با اعضای خانواده رها شوند، دوستانی از جنس خود بیابند، رقابت کنند تا پرخاشگری و هیجانانشان جواب داده شود و افق خواست‌ها و تمایلاتشان فراتر از خانواده شود. این یعنی کم‌کم مرد شدن. برای مرد شدن باید تلاش کرد. این تلاش به‌گونه‌های مختلفی در همه جهان تجربه شده است. مثلاً در یکی از قبایل بومی آمریکا به نام لاکوتا، پسران در شروع چهارده‌سالگی باید یک آزمون عملی بدهند. این آزمون برای اثبات شایستگی پسران برای ورود به جرگه مردان است. آزمون بدین ترتیب است که مردان قبيله پسر را گرسنه بر بالای قله کوهی می‌فرستند و سعی می‌کنند با در آوردن صدای غرش شیرهای کوهی، باعث ترس و وحشت او شوند. این پسر باید بر ترس‌های خود غلبه کند، آرامش بیابد و نهایتاً راه خود را پیدا کند. بعد از اینکه پسر توانست خود را به قبيله برساند، برای او جشن می‌گیرند و از آن روز تا دو سال، حق دیدن مادر خود را ندارد. این‌گونه، وارد دنیای مردان می‌شود.<sup>۱</sup>

برای پروانه شدن، باید تلاش کرد؛ وگرنه گرم ابریشم باقی خواهید ماند.

### پسرانه شدن

پسران پس از بالغ شدن، خصوصياتی منحصر به فرد و متمایز با مادر و خواهر و حتی گاه پدر خود خواهند داشت. این خصوصیات برای نقش آفرینی آن‌ها در مراحل مختلف زندگی‌شان مفید است:

#### ● قوت بدنی

پسران ماهیچه‌های حجیم و نیرومندی دارند. این قوت بدنی، آن‌ها را برای کار مستعد می‌سازد.

#### ● انرژی سرشار

پسران به‌واسطه انرژی زیاد، فضای فیزیکی بیشتری را اشغال می‌کنند، به غذای بیشتری نیاز دارند، از مخاطرات جسمی استقبال می‌کنند و در مرادواتشان بی‌احتیاط‌تر از دختران هستند.

۱. استیو بیدالف، هنر پسر داری، ترجمه ملوک عزیززاده، ص ۲۹.



## ● رقابت و نبرد

پسران از شکست دادن دیگران احساس خوشایندی پیدا می‌کنند. آن‌ها با یکدیگر رقابت جسمانی و کلامی دارند و برخی از روابطشان بر پایه همین رقابت‌ها صورت می‌گیرد. رقابت برای پسران نوعی رفتار سازنده است.<sup>۱</sup> آن‌ها به قهرمان شدن و تفکر دلاورانه میل دارند و این موجب انرژی و قدرت در آن‌ها می‌شود.

## ● فداکاری

فداکاری جزو اصول اولیه پسران است. زندگی اکثر پسران از طریق فداکاری به نهایت معنای خود می‌رسد.<sup>۲</sup> آن‌ها هر لحظه آمادگی دارند خود را فدای اصولی کنند که به آن‌ها اعتقاد دارند؛ مانند حراست از خانه، حراست از مرزهای کشور یا سرزمین که جزو متعلقات گروهی آن‌هاست.

## ● قدرت سریع حل مسئله

مغز پسران آمادگی بیشتری برای حل مسائل دارد. این باعث آزادسازی انرژی زیادتری توسط آن‌ها می‌شود. البته همین درگیری ذهنی موجب می‌شود احساساتشان را دیربروز دهند.<sup>۳</sup>

## ● حمایت از زنان

پسران در قبال زنان، حس حمایتی دارند. این مسئله نوعی نمایش قدرت است. این حس حمایتی را درباره هم‌جنسان خود بسیار کم دارند؛ مگر اینکه بخواهند از تعلقات گروهی خود حمایت کنند. آنگاه آن‌ها را وظیفه می‌دانند و به آن عمل می‌کنند.

## ● جمع‌گرایی

جمع‌گرایی پسران ارتباط نزدیکی با طبیعت و سرشت آن‌ها دارد. برخلاف دختران که با وحدت و کیفیت، آرامش بیشتری پیدا می‌کنند، پسران از کثرت و کمیت لذت می‌برند؛ چراکه فرصت رقابت برای آن‌ها فراهم می‌شود و در صورت تأیید شدن توسط جمع، قدرت و انرژی‌شان بیشتر می‌شود. همچنین در جمع بودن، به مغز پسران اجازه می‌دهد برای مدتی، فعالیتشان را در زمینه‌های مختلف متوقف کنند؛

۱. مایکل گوریان، دنیای شگفت‌انگیز پسران، ترجمه سهیلا خسروی، ص ۶۷.

۲. مایکل گوریان، دنیای شگفت‌انگیز پسران، ترجمه سهیلا خسروی، ص ۸۸.

۳. مایکل گوریان، دنیای شگفت‌انگیز پسران، ترجمه سهیلا خسروی، ص ۵۵.



در حالی که در ارتباطات دونفره، انبوهی از احساسات مرتباً مغز را فعال نگه می‌دارد.<sup>۱</sup> پسران به این استراحت مغزی نیاز دارند.

### ● احساس ضعف و ناخوشایندی از گریه

پسران در موقعیت‌های پُرفشار روحی، در گوشه‌ای امن گریه می‌کنند. «گریه برای پسران حریم محرمانه‌ای است.»<sup>۲</sup> برای پسران هرچقدر مغزشان کامل‌تر شود و آثار هورمون تستوسترون بر آن‌ها بیشتر شود، گریه کردن ناخوشایندتر خواهد شد.<sup>۳</sup> آن‌ها با گریه کردن احساس ضعف و ناامنی می‌کنند.

### ● بروز ضعیف احساسات

پسران کمتر از دختران احساسات خود را به زبان می‌آورند؛ چراکه رشته‌های عصبی متصل‌کننده<sup>۴</sup> دو نیمکره مغزشان، در مقایسه با دختران باریک‌تر است و اطلاعات با جریان خفیف‌تری از سمت راست به سمت چپ مغز که مرکز قدرت تکلم است، منتقل می‌شود؛<sup>۴</sup> بنابراین، هم بیان احساسات برایشان دشوارتر است و هم واکنش‌هایشان با تأخیر بیشتر صورت می‌گیرد. آن‌ها به جای بیان کلامی، احساسات خود را به صورت فیزیکی نشان می‌دهند. به همین سبب، اصولاً ابراز احساسات آن‌ها با انرژی زیادی همراه است؛ مثلاً مشت روی میز کوبیدن یا در را محکم به هم زدن.

### ● خطرپذیری

پسران بر اثر احساس استقلال‌ی که دارند، اصولاً اجازه نمی‌دهند کسی آن‌ها را له کند. آن‌ها منتظر کمک نمی‌مانند و سریع از خود دفاع می‌کنند. دختران در این زمینه وابسته‌تر هستند. این مسئله آن‌ها را آسیب‌پذیر می‌کند و گاه فاجعه‌آور است. اگرچه جوان تجربه ندارد، اما یک چیزی معادل تجربه دارد و آن عبارت از شوروشوق و احساس و گستاخی و خطرپذیری است که خیلی از گره‌ها را باز می‌کند.<sup>۵</sup>

خداوندا، مرا چنان بساز که تو را بشناسم و بدانم که شناخت خویشتن

سنگِ زیربنای آگاهی من است.

۱. استیو بیدالف، هنر پسراری، ترجمه ملوک عزیززاده، ص ۷۹.

۲. آنتوان دو سنت اگزوپری، شازده کوچولو، ترجمه محمد قاضی.

۳. مایکل گوریان، دنیای شگفت‌انگیز پسران، ترجمه سهیلا خسروی، ص ۵۹ و ۶۰.

۴. مایکل گوریان، دنیای شگفت‌انگیز پسران، ترجمه سهیلا خسروی، ص ۵۸.

۵. رهبر معظم انقلاب، مصاحبه با مجله جهاد، ۱ شهریور ۱۳۶۴.









# پسران برادر خانوادہ چگونه زندگی منزلت پسران





هرچه به دنبال اطلاعات درباره پسران گشتیم، یا مطلبی وجود نداشت یا با اطلاعاتی این‌گونه مواجه می‌شدیم: وضعیت اسف‌بار پسران، بحران پسران، خشونت و پسران، بی‌توجهی و بی‌احساسی در پسران، قلدری، زورگویی، حواس‌پرتی، شزی و کلی مطلب دیگر که با مبالغه و افراط زیاد درباره پسر خانواده مطرح شده بود؛ به طوری که گاهی خودمان هم باورمان می‌شد که چنین است. این در حالی است که با رجوع به آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام اطلاعات دیگری درباره پسران می‌یابیم: مایه خوشی خانواده، لذت زندگی خانواده، مایه خیر و سربلندی خانواده، مایه عزت‌مندی خانواده و ...

تصمیم گرفتیم در این فصل، از زاویه دید خداوند، پسران را نگاه کنیم؛ چرا که خدا خالق پسران است و زیباترین و جامع‌ترین نگاه، نگاه خداست.

### ● پسران؛ مایه عزت‌مندی خانواده

خداوند شما را عزیز خانواده‌تان و حامی و حافظ آنان قرار داد.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پسران را مایه عزت خانواده دانسته است و فرموده: «در هر

خانواده‌ای پسری زاده شد، عزتی یافتند که پیش از آن نداشتند.<sup>۱</sup> پسران عزیزند؛ یعنی پسران قدرتمند و قوی هستند،<sup>۲</sup> یعنی به آسانی نمی‌توان پسر را شکست داد و بر او غلبه کرد، یعنی پسر در میان خانواده‌اش مقام و منزلتی خاص دارد و هیچ‌کس دیگر آن مقام را ندارد،<sup>۳</sup> یعنی پسر جسور و نفوذناپذیر است،<sup>۴</sup> یعنی پسران دوست‌داشتنی و قابل اعتماد هستند...

با توجه به ویژگی‌ها و توانایی‌ها و استعداد‌های پسران، جایگاه عزتمندی برای خانواده به درستی از آن پسران است؛ چراکه آن‌ها قوی و فداکار و جسور هستند و می‌توانند خانه و خانواده را حفظ کنند؛ گرچه قلدری برخی از پسران، بیش از عزتشان به خانواده می‌رسد!

تو از آن پسرانی هستی که جسارت و قدرتت محافظ خانواده‌ات باشد؟ مدافع مادر و خواهرت؟

مواظب باش! مبادا با وجود تو، حریم خانواده‌ات شکسته شود!

### ● پسران؛ نعمت الهی برای خانواده

خداوند شما را به خانواده بخشید تا مایه خوشی آن‌ها بوده، یادآور خداوند برای آنان باشید. شخصی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: «مردی را می‌شناسم که دخترش را بیشتر از پسرش دوست دارد و به او محبت می‌کند.» حضرت فرمود: «دختر و پسر با هم مساوی اند... و نزد خداوند هیچ تفاوتی ندارند. اگر دختر باعث افزایش رحمت خداست، پسر هم نعمتی از جانب خداوند متعال محسوب می‌شود.»<sup>۵</sup>

امام صادق علیه السلام نیز به ابان بن تغلب فرمود: «دختران حسنات و پسران نعمت

۱. أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمَقْصِلِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سَهْلٍ بْنُ فَيْرُوزَانَ أَبُو الْعَبَّاسِ الْأَشْثَانِيُّ الْمَقْرِيُّ سَنَةَ سِتٍّ وَ ثَلَاثٍ مِائَةٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَيْدٍ الرَّازِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْمُخْتَارِ قَالَ: حَدَّثَنَا التَّمْزُزِيُّ بْنُ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْأَضْبَعِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ فِيهِمْ إِسْمٌ نَبِيٍّ إِلَّا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ مَلَكًا يَقْدِسُهُمْ مِنْ صَلَاةِ الْغَدَاةِ إِلَى الْعِشَاءِ. قَالَ أَبُو إِسْحَاقَ: وَ ذَكَرَ مِثْلَ ذَلِكَ فِي لَيْلِهِمْ. قَالَ أَبُو إِسْحَاقَ: قَالَ الْأَضْبَعُ وَ رَفَعَهُ: وَ مَا مِنْ قَوْمٍ وُلِدَ فِيهِمْ مَوْلُودٌ ذَكَرًا إِلَّا حَدَثَ فِيهِمْ عِزٌّ لَمْ يَكُنْ (محمد بن حسن طوسی، الأمالی، المجلس الثامن عشر).

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۸۵.

۳. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۳، ص ۲۰۶.

۴. عبدالله جوادی آملی، توحید در قرآن، ص ۳۶۹.

۵. ماهنامه دین و زندگی، همشهری آیه، ش ۵.





هستند. خداوند در مقابل حسنات پاداش می‌دهد و در برابر نعمت سؤال می‌کند.<sup>۱</sup> چرا خداوند دربارهٔ پسر از خانواده سؤال می‌کند؟ چون پسر نعمتی است که خداوند برای یاری خانواده به آنان هدیه داده است؛<sup>۲</sup> بنابراین اگر خانواده شاکر و قدرشناس این نعمت نباشد، باید در برابر خداوند پاسخگو باشد. همچنین پسر هدیه‌ای از هدایای الهی است که خداوند به هرکه بخواهد، آن را می‌بخشد: «وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ»<sup>۳</sup>

پسر هدیه‌ای است که مایهٔ خوشی، مال، روزی،<sup>۴</sup> آسایش، خیر و شایستگی برای خانواده است<sup>۵</sup> و باید بابت آن شکرگزار خداوند بود. البته بعضی پسران هم مایهٔ خیر و خوشی خانواده نیستند!

هدیهٔ خدا یعنی: بندهٔ من، مرا به خاطر بسپار.

آیا جزو پسرانی هستی که خوش حالی داشتن شما، خانواده‌تان را شاکر خداوند می‌کند؟

مواظب باشید خوشی خانواده‌تان را به ناخوشی تبدیل نکنید.

### ● پسران؛ زینت دهندهٔ خانواده

خداوند زندگی خانواده‌تان را با شما آراست و شما لذت زندگی آن‌ها هستید.

«مال و پسران زیور و زینت زندگی دنیایند و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش و امید نزد پروردگارت بهتر است.»<sup>۶</sup> «زینت» یعنی آرایش و پیرایه و زیور و چیزی که خود را با آن آرایش می‌کنند.<sup>۷</sup> زینت یعنی لذت بردن از هر آنچه برای انسان مفید است. برای مثال، انسان غذا را برای رفع نیاز بدن می‌خورد. اگر این غذا خوش‌رنگ و بو و خوش طعم باشد و در ظرف‌های تمیز و زیبا قرار بگیرد، انسان از خوردن آن غذا لذت

۱. فی ثَوَابِ الْأَعْمَالِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الضَّفَّارِ عَنِ مُوسَى بْنِ غَمْرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ يَحْيَى بْنِ خَاقَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي ثَابِتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَالْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَالتَّبَنُّونُ نِعْمَةٌ وَالتَّحْسَنَاتُ يُثَابُ عَلَيْهَا وَالتَّعَمُّةُ يُسْأَلُ عَنْهَا (محمد بن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ۲۱)، تتمه کتاب النکاح، ثَوَابُ أَحْكَامِ الْأَوْلَادِ، بَابُ كَرَاهَةِ الْبَنَاتِ).

۲. سیدعلی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۴۸ مدخل «نعمت».

۳. شوری، ۴۹: (اللَّهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاءً وَ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ).

۴. گروه نویسندگان، معجم الوسیط، ج ۶، ص ۸۴، واژه نعمت

۵. سیدعلی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۸۴، مدخل «نعمت».

۶. کهف، ۴۶، ترجمه فولادوند.

۷. لغت‌نامهٔ دهخدا و فرهنگ‌نامهٔ معین، واژهٔ «زینت».

بیشتری می برد. حال اگر غذا تزیین نشده باشد، زندگی انسان به خطر نمی افتد؛ ولی از لذت آن بی بهره می شود.<sup>۱</sup>

زینت در مقابل زشتی، عیب،<sup>۲</sup> ننگ، رسوایی،<sup>۳</sup> آبروریزی و ملامت و سرزنش<sup>۴</sup> مطرح می شود؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام به عنوان پدر شیعیان، به آن ها می فرماید: «كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا.»<sup>۵</sup> (زینت ما باشید، نه باعث ملامت و سرزنش ما.) انسان ها دوست دارند با زینت ها، از زندگی خود لذت بیشتری ببرند. پسر نیز زینت خانواده است که خانواده، خود را با آن آراسته می کند و از این آراستگی لذت می برند؛ اگرچه برخی از پسران، زندگی را به کام خانواده زهر می کنند! از وقتی به دنیا آمده اید، زندگی را برای خانواده تان لذت بخش تر کرده اید و به راستی که این گونه بوده اید.

مواظب باشید این زیبایی را زشت نکنید.

## ● پسران؛ مایه خیر برای خانواده

خداوند شما را خیرخواه و خیراندیش و فزونی بخش نیروی خانواده تان قرار داد.

امام سجاد علیه السلام پازل زندگی آرمانی و دوست داشتنی را حل کرده است و در کتاب صحیفه سجادیه و رساله حقوق، الگوی این پازل را به نمایش در آورده است. ایشان در دعایی، این گونه از خدا پسر می خواهد: «خداوندا، به من فرزندان پسر عطا فرما و این را مایه خیر من قرار ده و همه آنان را در آنچه از تو می خواهیم، یاور من گردان.»<sup>۶</sup> مایه خیر بودن پسر یعنی می تواند موجب نیکویی باشد، فایده و بهره<sup>۷</sup> به

۱. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.

۲. نک: فتحیه فتاحی زاده، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت.

۳. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «از خدا بترسید و مایه زینت باشید، نه زشتی.» (تحف العقول، ص ۴۸۸).

۴. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید: به خدمت امام رسیدم، در حالی که یکی از شیعیان در خدمت حضرت بود و حضرت به وی می فرمود: «ای گروه شیعه، زینت ما باشید؛ نه باعث ملامت و سرزنش ما. با مردم نیکو سخن بگویید و زبانتان را حفظ کنید و آن را از زیاده روی و زشت گویی باز دارید.» (محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، الأمالی، ص ۳۲۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۱).

۵. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الأمالی، ص ۳۲۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۱.

۶. صحیفه سجادیه، دعای ۲۵.

۷. الیاس انطوان الیاس، فرهنگ نوین، ترجمه سیدمصطفی طباطبایی، ص ۳۰۴، ماده «خیر».

۸. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، به تحقیق صفران عدنان، ص ۳۰۰، ماده «خیر».



خانواده‌اش برساند، موجب برتری<sup>۱</sup> و سربلندی خانواده باشد، موجب طاعت و عبادت<sup>۲</sup> برای پدر و مادرش شود، توان<sup>۳</sup> آنان را افزایش دهد و نیز می‌تواند مانع بدی و شرّ و ضرر خانواده شود.

وقتی دو گزینه با هم مقایسه شود، به آنچه نفع بیشتر و بهره‌زیادتری دارد، خیر می‌گویند.<sup>۴</sup> مثلاً «عاقبت به خیر شوی» یعنی سرانجام تو راهی باشد که نفع زیاد به تو برساند یا «در دعوا حلوا خیر نمی‌کنند» یعنی در هر صورت، چه بزنی چه بخوری، نتیجه دعوا زیان است و نفعی در آن نیست.

پسری می‌تواند مایه خیر خانواده باشد که بهره و نفع زیادی از او به خانواده برسد. از آن طرف هم، شر و ضرر برخی از پسران بیش از منفعت آن‌ها به خانواده می‌رسد.

**بهترین بهترین هستید برای خانواده‌تان؛ پُر خیر و منفعت.  
مواظب باشید این منفعت را به ضرر تبدیل نکنید.**

**خداوندا، به ما قلبی صاف عطا کن با اهدافی بلند که بتوانیم در خانواده و  
جهان اطرافمان نقش سازنده‌ای داشته باشیم.**



۱. نک: بینه، ۷.

۲. نک: تفسیر نور، ذیل آیه ۷۳ سوره مبارکه انبیاء؛ مقاله «معانی واژه خیر در قرآن کریم»، ترجمه عبیدالله، سایت اسلام، قرآن و تفسیر.

۳. نک: مقاله «معانی واژه خیر در قرآن کریم»، ترجمه عبیدالله، سایت اسلام، قرآن و تفسیر، ذیل آیه ۳۷ سوره مبارکه دخان.

۴. نک: احمد رضا اخوت، معناشناسی خیر و شر.









# پسران چگونه جوانان مرد می‌شوند؟

وظایف و مسئولیت‌های پسران





روزی پسر کشف مهمی کرد. او فهمید که نه تنها قدش از مادرش بلندتر شده است که قدرتش نیز از او بیشتر شده است. با خود فکر کرد: «دیگر مادرم نمی تواند مرا به کاری مجبور کند.» پسر روز دیگر کشف مهم تری کرد. با کمی تلاش در میچ اندازی، می توانست میچ پدر را بخواباند. زورش از پدر بیشتر شده بود. با خود فکر کرد: «دیگر پدرم نمی تواند مرا شکست دهد.»

واقعیت همین است: پسران هرچه بزرگ تر شوند، قدرتشان بیشتر می شود و درمی یابند که می توانند به روش های مختلف، گاه زیرکانه، گاه با قلدری و گاه ناخودآگاه با پدر و مادرشان مخالفت کنند. آن ها می فهمند که می توانند با کمی فشار، سلايق خود را بر پدر و مادر تحميل کنند و حرف خودشان را به کرسی بنشانند. آن ها گاه تجربه می کنند که با کمی بالا بردن صدای خود یا با «در و تخته به هم کوفتن» می توانند نظر خود را تحميل کنند.

اما در حقیقت همه چیز زور بازو نیست. لحظه مهم و سرنوشت ساز برای همه پسران همین جاست. آن ها باید تصمیم بگیرند که می خواهند چگونه باشند: آیا می خواهند قدرتشان را به رخ پدر و مادر بکشند و میچ آن ها را به زمین بزنند یا جوانمردگونه، بال تواضع خود را به زیر پای آن ها پهن کنند؟ و البته جوانمرد بودن کار سخت تری است و قدرت بیشتری می طلبد.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ.»<sup>۱</sup> (شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود غلبه کند.)

### ● جوانمرد قدرشناس

پسری خاطره جالبی از پدربزرگش تعریف می‌کرد: روزی از دست مادرم بسیار عصبانی بودم و پیش پدربزرگ گله کردم. پدربزرگ گفت: «به مادرت احترام بگذار. او تو را به دنیا آورده است. همین کافی است که همه عمر از او تشکر کنی.» نصیحت پدربزرگ واضح بود؛ ولی مرا قانع نکرد؛ هرچند با مادر آشتی کردم. صادقانه بگویم، در آن لحظه فقط به این مسئله فکر می‌کردم که برخی اوقات پدران و مادران را تا حد خدا بالا می‌برند و ستایش می‌کنند؛ در صورتی که آن‌ها اغلب، کارهایی را که باید انجام دهند، یا انجام نداده‌اند یا هرگز نمی‌دانسته‌اند چه بکنند!

بعد از مدتی پدربزرگم که خیلی دوستش داشتم، از دنیا رفت. روزی به اتاقش رفتم و کتابی را که خیلی به آن علاقه داشتم، از روی میزش برداشتم. نشانگری لای کتاب بود؛ گویی قسمت خاصی را نشانه‌گذاری کرده بود. آن قسمت را باز کردم. نوشته بود:

این را بدان: مادرت تو را نه ماه حمل کرده است؛ به طوری که هیچ‌کس حاضر نیست این چنین؛ دیگری را حمل کند. به توشیره جاننش را خورنده است؛ به طوری که هیچ‌کس دیگر حاضر نیست این کار را انجام دهد. با تمام وجود، با گوشش، چشمش، دستش، پایش، مویش، پوست بدنش و جمیع اعضا و جوارحش تو را حمایت و مواظبت کرده است و این کار را از روی شوق و عشق انجام داده و رنج و درد و غم و گرفتاری دوران بارداری را به خاطر تو تحمل نموده است تا وقتی که خدای متعال تو را از عالم رحم به عالم خارج انتقال داد. پس مادر بود که حاضر بود گرسنه بماند و تو سیر باشی؛ برهنه بماند و تو لباس داشته باشی؛ تشنه بماند و تو سیراب باشی؛ در آفتاب بنشیند تا تو در سایه او آرام استراحت کنی؛ ناراحتی را تحمل کند تا تو در نعمت و آسایش به زندگی ادامه دهی و رشد کنی و در اثر نوازش

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الأمالی، ص ۲۱.





او، به خواب راحت و استراحت لذیذ دست یابی. شکم او خانه تو و آغوش او گهواره تو و سینه او سیراب‌کننده تو و خود او نگهدارنده تو بود. سردی و گرمی دنیا را تحمل می‌کرد تا تو در آسایش و ناز و نعمت زندگی کنی. پس شکرگزار مادر باش، به اندازه‌ای که برای تو زحمت کشیده است. بدان که اصل و ریشه تو از پدرت است و تو فرع و شاخه او هستی و اگر او نبود، تو نبود. پس هر وقت در خودت چیزی می‌بینی که موجب پیداشدن غرور در تو می‌شود، متوجه باش که پدرت اصل و اساس آن نعمت است و خداوند را برای این نعمت بزرگ ستایش کن و از او تشکر کن، به اندازه نعمتی که به تو ارزانی کرده است.<sup>۱</sup>

این نوشته از رساله حقوق امام سجاد علیه السلام بود. چشم‌هایم پُر از اشک شد و یاد حرف پدر بزرگ افتادم: «مادرت تو را به دنیا آورده است. همین کافی است که همه عمر از او تشکر کنی.» تشکر کردن فقط به گفتن «دست شما درد نکند» نیست؛ هر چند که این گفتن هم باید باشد.

زمانی مردی سه روز پی‌درپی، تمام مسیر نجف تا کربلا و یلچر مادرش را هل داد. او قد بلندی داشت و خم شدن روی ویلچر، موجب کمردردش شده بود؛ اما با رضایت این کار را می‌کرد. می‌گفت: «بچه که بودیم، پدر و مادر دولاً می‌شدند و همان طور دولادولا، قدم به قدم راه رفتن را یادمان دادند. امروز اگر راه می‌روم، مدیون آن‌ها هستم.» به نظر می‌رسد آن مرد معنای تشکر کردن از مادرش را به خوبی فهمیده بود. واقعیت این است که کسی که بابت زحمات دیگران تشکر نمی‌کند، مانند آدم طلبکاری است که هیچ وقت طلبش را پرداخت نمی‌کند و همیشه مدعی است. امام صادق علیه السلام کسی را که از زحمات دیگران تشکر نمی‌کند، به راهزنی تشبیه کرده است که خیر و نیکی را از مردم می‌دزد؛ چرا که دیگران را از انجام کار خیر پشیمان می‌کند.<sup>۲</sup>

۱. علی بن حسین علیه السلام، رساله حقوق، حق مادر و پدر.

۲. لَعَنَ اللَّهُ قَاعِلِي سَبِيلِ الْمَعْرُوفِ وَهُوَ الرَّجُلُ يُضَيِّعُ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفَ فَتُكْفَرُ، فَيَمْنَعُ صَاحِبَهُ مِنْ أَنْ يَضَعُ ذَلِكَ إِلَيْهِ غَيْرِهِ. (محمد بن علی بن بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، باب فضل المعروف).

## ● جوانمرد مؤدب

تجربهٔ اختلاف و کشمکش‌های میان پدرها و مادرها با پسران، به‌درازی تاریخ است و انکارشدنی نیست. این اختلافات تقریباً در هر خانه‌ای و در هر زمانی وجود دارد؛ هرچند در زمانهٔ ما بیشتر شده و به‌قول جامعه‌شناسان منجر به شکاف نسلی شده است. اما آیا اساساً این اختلافات بد است یا خوب؟

اختلاف سلیقه چیز بدی نیست. آن چیزی که مضراست، اقدام بی‌فکر و بی‌مطالعه و تصمیم‌گیری‌های سریع و جوشی‌شدن است... یک پسر می‌تواند نسنجیده کاری کند؛ می‌تواند سنجیده کاری کند.<sup>۱</sup>

در اختلاف نظر بین والدین و فرزندان، به‌خصوص پدر و پسر، آنچه اهمیت دارد این است که نباید از خطوط قرمز رد شد. حفظ حرمت پدر و مادر، همان خط قرمز است. هیچ‌وقت پسران برای تفاوت دیدگاه با پدر و مادرشان سرزنش نمی‌شوند؛ اما هیچ‌کس شکستن حرمت پدر و مادر را تأیید نمی‌کند. این همان توصیهٔ سادهٔ پدربزرگ است: «احترام مادرت را نگه دار. او تو را به دنیا آورده است.»

## ● چند راهکار برای حفظ حرمت پدر و مادر:

■ در قشقرق‌هایی که به پا می‌کنید، حواستان به نقطه‌های ایست باشد. مهم‌ترین درس مردانه این است که بدانید نقطهٔ ایست کی و کجاست. این، یکی از مهارت‌های مهم است. وقتی خسته و عصبی هستید، باید حواستان باشد از مرزها خارج نشوید. ■ وقتی مدت زیادی را کنار مغازهٔ دوچرخه‌فروشی یا صوتی‌تصویری می‌ایستید، یعنی شما به چنین چیزهایی علاقمندید؛ اما وقتی از کنار کسی یا چیزی، تندتر از معمول عبور می‌کنید، در عمل نشان می‌دهید که زیاد مایل به مواجه شدن با آن چیز یا آن کس نیستید.<sup>۲</sup> وقتی وارد خانه می‌شوید و سریع به اتاق خودتان می‌روید یا تمام روز، سرتان توی گوشی موبایلتان است، چنین پیامی را به پدر و مادرتان مخابره می‌کنید.

■ ارتباط و گفت‌وگو بهترین راه برای نشان دادن احترام به پدر و مادر است. خیلی از فرزندان، بعد از مرگ والدینشان افسوس می‌خورند که به اندازهٔ کافی با آن‌ها حرف نزده‌اند. شما مرتکب این اشتباه نشوید. البته یادتان باشد که بهترین شیوهٔ

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از جوانان، ۷ اردیبهشت ۱۳۷۷.

۲. علی اصغر احمدی، نوجوان و خانواده، ص ۱۵.





گفت وگو را پیدا کنید. اگر نمی‌توانید راحت مقصودتان را به پدر و مادر بگویید، خسته و عصبانی نشوید. کافی است پدر و مادرتان تلاش شما را برای ارتباط برقرار کردن ببینند. آن‌ها ارزش احترام و قدرشناسی شما را دارند.

■ هر خانه‌ای بالاخره یک مدیر دارد و قانون و مقررات خاص خودش. برای پیروی از این قوانین، نهایت تلاش خود را بکنید و اگر با این قوانین مشکل دارید، دلایل خود را محترمانه با پدر و مادر در میان بگذارید و دلایل آن‌ها را نیز بشنوید. جوانی می‌گفت: «والدینم مرا مجبور کرده‌اند تا به قوانین آن‌ها پایبند باشم. اکنون که پدر هستم، لزوم آن را احساس می‌کنم. نظم و ترتیب خوب، احتمالاً بزرگ‌ترین هدیه‌ای است که من از والدینم دریافت کرده‌ام.»

■ اطلاع از حال شما حق پدر و مادرتان است. آن‌ها رادربی‌خبری نگذارید؛ به خصوص مادرتان را. یک ارتباط تلفنی کوتاه گاهی یک دنیا دل‌نگرانی را از آن‌ها کم می‌کند.

■ انتظار نداشته باشید که پدر و مادرها اصلاً به فرزندانشان تذکر ندهند. زمانی که خودتان با یک بچه کوچک‌تر از خود طرف می‌شوید، چقدر از این بکن‌ونکن‌ها می‌گویید؟ «مطمئن باشید کمک‌های فکری پدر و مادر و بکن‌ونکن‌های مشفقانه آن‌ها، جلوی پیشرفت واقعی شما را نمی‌گیرد.»<sup>۱</sup>

■ دنبال راه‌های ارتباطی با پدر و مادرتان بگردید. شاید شما مثل پدرتان حوصله «بای اخبار نشستن» را نداشته باشید؛ اما احتمالاً هر دوی شما به دیدن فوتبال علاقه‌مند هستید. پس گاهی اوقات با پدرتان فوتبال تماشا کنید. یا با هم به استخر بروید. حتماً مشترکاتی بین خود و پدرتان پیدا خواهید کرد.

■ هیچ پدر و مادری دوست ندارند که فرزندشان آن‌ها را با اسم کوچک صدا بزند. هیچ چیز به اندازه گفتن «پدر» و «مادر» آن‌ها را خوش حال نمی‌کند. رسول خدا ﷺ از حضرت زهرا ع خواسته بود تا ایشان را با لفظ «پدرجان» صدا بزند؛ چراکه هم دل را زنده‌تر می‌کند و هم خدا این را بیشتر دوست دارد.<sup>۲</sup>

۱. برداشتی از بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳ بهمن ۱۳۷۷.

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ دُرِّسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا حَقُّ الْوَالِدِ عَلَيَّ وَلَدِهِ قَالَ لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ وَلَا يَمْسِيهِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَلَا يَسْتَسْبِئُ لَهُ. (محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۲، چاپ اسلاميه، كتاب الإيمان والكفر، باب الْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ).

۳. قَوْلِي يَا أَبَتِ فَإِنَّهَا أَحْيَا لِقَلْبِي وَأَرْضَى لِقَلْبِكَ. (المناقب، ج ۳، ص ۳۲۰).

■ فکرمی کنید اگر روزی با رئیس جمهور همراه شوید، چه آدابی را در برابر او رعایت می کنید؟ چند درصد احتمال دارد که شما جلوتر از او راه بروید یا وقتی نشسته باشد، به او پشت کنید. مقام پدر و مادر تان از رئیس جمهور بالاتر است؛ چرا که خداوند نیکی به پدر و مادر را در کنار عبادت خود قرار داده است.<sup>۱</sup> والدین آن قدر حرمت دارند که نباید جلوتر از آن ها راه بروید و پشت به آنان بنشینید.<sup>۲</sup> باید جلوی آنان تمام قد برخیزید و احترام بگذارید. صدایتان را برای آن ها بالا نبرید و با عصبانیت به آن ها خیره نگاه نکنید.<sup>۳</sup> این ها شما را کوچک نمی کند؛ بزرگی تان را نشان می دهد.

■ هیچ چیز در دنیا نگران کننده تر از ناراحتی و نارضایتی پدر و مادر نیست. نفرین پدر تا ابرها بالا می رود و نفرین مادر از تیغ برنده تر است.<sup>۴</sup> مراقب عاق و والدین باشید.

خداوند، به من آن قدر فروتنی ببخش تا در برابر آنان که افتاده اند، رحم و شفقت داشته باشم.



۱. الف. یورامینی، راه های کسب آرامش در خانواده، ص ۱۲۵.

۲. عَلِيُّ بْنُ إِزْهَابٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُبَيْدِ بْنِ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ دُرَيْسِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا حَقُّ الْوَالِدِ عَلَيَّ وَلَدِهِ؟ قَالَ: لَا يُسْمِيهِ بِاسْمِهِ وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَلَا يَنْتَسِبُ لَهُ. (محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۲، چاپ اسلاميه، كتاب الإيمان والكفر، بَابُ الْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ).

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ عَلِيُّ بْنُ إِزْهَابٍ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَالِدِ الْحَنَاطِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: (وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا) مَا هَذَا الْإِحْسَانُ؟ فَقَالَ: الْإِحْسَانُ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا وَأَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئاً مِمَّا يَخْتَاجَانِ إِلَيْهِ وَإِنْ كَانَا مُسْتَفْزِعِينَ أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ)؟ قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (وَأَمَّا قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: (إِنَّمَا يَنْتَعِنُ عِنْدَكَ الْكَبِيرُ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرَهُمَا) قَالَ: (إِنْ أَضْحَكَكَ فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرَهُمَا إِنْ ضَرَبَاكَ قَالَ: (وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا) قَالَ: (إِنْ ضَرَبَاكَ فَقُلْ لَهُمَا عَفْرَ اللَّهُ لَكُمْ فَذَلِكَ مِنْكَ قَوْلٌ كَرِيمٌ قَالَ: (وَ اِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ) لَا تَمْلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَ رِقَّةٍ وَ لَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا وَ لَا تَبْكَ فَوْقَ آبِدِيهِمَا وَ لَا تَقْدَمْ قَدَامَهُمَا. (محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۲، چاپ اسلاميه، كتاب الإيمان والكفر، بَابُ الْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ).

۴. عَلِيُّ بْنُ إِزْهَابٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تُرْفَعُ فَوْقَ السَّحَابِ حَتَّى يَنْظُرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهَا فَيَقُولُ ارْفَعُوهَا حَتَّى اسْتَجِيبَ لَهُ) وَ (إِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةَ الْوَالِدِ فَإِنَّهَا أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ). (محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۲، چاپ اسلاميه، كِتَابُ الدُّعَاءِ، بَابُ مَنْ تَسْتَجَابُ دَعْوَتُهُ).







# پسرخ چگونه توانمند میشوند؟

کسب مهارت در پسران





### ● پسر مسئولیت پذیر

پسران به خوبی می‌دانند که درس خواندن همه زندگی آنان نیست. آن‌ها باید بتوانند در هر دوره‌ای از زندگی و در مواجهه با هر موقعیت و بحرانی، گلیم خود را از آب بکشند. خانواده اولین و مناسب‌ترین جا برای تمرین مسئولیت‌پذیری است. مسئولیت‌پذیری به زبان ساده یک حالتی است در مقابل حالت «ولش»، «ولش کن»، «برو خوش باش»، «به خودت بپرداز». برخی پسران هستند که اگر به آن‌ها گفته شود: «این کار را بکن»، می‌گویند «ولش». این ولش بدترین بلا برای پسران است و احساس مسئولیت یعنی رهاکردن این حالت ولش.<sup>۱</sup>

اغلب پسران از زمانی که چهار دست و پا راه می‌روند، احتیاج دارند با انجام دادن کارهای مهم، اعتماد به نفس پیدا کنند. قبول مسئولیت و قدرت‌طلبی، باعث شادابی پسر در دوره بچگی و دوران مردانگی اوست. پسران این‌گونه، سرپرستی را می‌آموزند و تجربه می‌کنند. این نقشی است که به راستی به عهده آن‌هاست. حال اگر برخی از پسران فاقد این انگیزه هستند، مربوط به فرهنگ حاکم بر جامعه است

۱. برداشتی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۶ آذر ۱۳۹۳.

که باعث دورشدن پسران از طبیعت خود می‌شود؛ وگرنه کار و مسئولیت جَنَم مرد است.

برای پسرها ورزش، کار با رایانه، خریدکردن، تعمیر وسایل خراب، جابه‌جایی وسایل سنگین خانه، نظافت‌کردن، گذاشتن کیسه‌های زباله بیرون از خانه و... همگی ممکن است کار مهمی باشد. آن‌ها فقط می‌خواهند بدانند از هرکدام چه چیز می‌آموزند. پسری که بتواند از عهدهٔ چنین کارهایی برآید، حتماً در آینده نیز از عهدهٔ هر کار دیگر برمی‌آید.

قبول برخی از کارهای خانه نه تنها حس مسئولیت‌پذیری را در پسران تقویت می‌کند، بلکه آن‌ها را برای نقش اصلی‌شان یعنی «سرپرستی» توانمند می‌کند.

### ● چند تمرین کوچک اما جدی

■ جوجه‌کباب‌کردن، تخصص مردان است؛ پس از حالا آن را در خانه تمرین کنید. این‌گونه، هم به خانواده کمک کرده‌اید و هم به خودتان!

■ حین انجام برخی از کارهای خانه مثل شستن ظرف‌ها و تعمیر وسایل خانه، با مادرو پدرتان گفت‌وگو کنید. این زمان‌ها بهترین فرصت است که دربارهٔ مسائل خودتان، سر صحبت را باز کنید.

■ پسران به سبب قدرت حل مسئله در زمانی کوتاه، به راحتی می‌توانند به خانواده کمک کنند تا کارها بهتر و سریع‌تر و مؤثرتر انجام شود. از قدرت خدادادی خود استفاده کنید و آن را «آک و دست‌نخورده» نگه‌ندارید. این‌ها تمرین‌های کوچکی است برای حل مسائل بزرگ‌تر در آینده. بهترین بهره‌ر از این زمان ببرید.

■ برای بردن سطل زباله‌ها بیرون منزل، با برادر و پدرتان برنامه‌ریزی کنید. این یک قرار مردانه است برای پسران؛ چراکه آن‌ها به راحتی از عهدهٔ سنگینی سطل برمی‌آیند و شب‌هنگام نیز زمان مناسبی برای بیرون‌رفتن خواهر و مادر نیست.

■ نان‌آور خانه بودن از قدیم تا الان، برعهدهٔ مردان بوده است؛ پس از این هویت خود دفاع کنید.

■ به‌طور داوطلبانه، برخی از خریدها را برعهده بگیرید. این مسئله هویت اجتماعی مردانهٔ شما را تقویت می‌کند و سرگرمی خوبی است.

۱. سرشت، طبیعت، ذات.



■ زندگی پسران، آمیخته با دقت و جدیت و انصاف است. معامله‌ای منصفانه در خانه بکنید؛ اتاق خودتان را تمیز کنید تا مادران غذا بپزد. میوه‌ها را بخرید تا خواهرتان آن‌ها را بشوید و در ظرف بچیند. وسایل سنگین خانه را جابه‌جا کنید تا خواهرتان گردگیری کند. ماشین را بشویید تا پدرتان آب کولر را خالی کند و... تقسیم وظایف حس منصف بودن شما را به خوبی نمایان می‌کند.

■ برای خودتان یک مأموریت در خانه تعریف کنید؛ مانند پیدا کردن وسایل خراب خانه و تعمیر آن‌ها، رسیدگی به باغچه، شستن حیاط خانه و تمیز کردن جلوی در خانه.

### ● پسر مقتدر

متأسفانه قسمتی از زندگی برخی از پسران با قلدری و گردن‌کلفتی گره خورده است. برای آنان، تهدید و زورگویی روشی برای به دست آوردن شأن و عزتشان به حساب می‌آید. در صورتی که خلقت پسر به گونه‌ای است که بر پایه اقتدار آفریده شده است، نه قلدری. فرد مقتدر کسی است که زور بازو دارد؛ اما بگیر و ببند و فریاد زدن ندارد. او قدرتش را با اخلاق و جاذبه ترکیب می‌کند.

### مقتدر = قدرت + اخلاق + جاذبه

اما قلدر کسی است که زور بازو دارد؛ ولی نه از عقل خود به خوبی استفاده می‌کند و نه از اخلاق بهره‌ای دارد.

### قلدر = قدرت - عقل - اخلاق

پسر مقتدر و قلدر هر دو در قدرت داشتن مساوی هستند؛ اما:  
 پسر مقتدر برای خانواده و اطرافیان جاذبه دارد؛ ولی پسر قلدر دافعه.  
 پسر مقتدر حمایت می‌کند و امنیت می‌بخشد؛ ولی پسر قلدر می‌ترساند و امنیت می‌برد.

پسر مقتدر وقتی با خانواده است، به آن‌ها این پیام را می‌دهد: «من اینجایم. نگران نباشید»؛ ولی پسر قلدر وقتی با خانواده است، این پیام را به آن‌ها می‌رساند: «من اینجایم. مراقب باشید.»

پسر مقتدر تکیه‌گاه است؛ ولی همیشه باید کسی باشد تا خراب‌کاری‌های پسر قلدر را جمع کند.



پسر مقتدر دستور نمی دهد. او به دستور اشاره می کند. می گویند امام خمینی علیه السلام هیچ وقت در خانه فرمان نمی داد؛ بلکه به آن اشاره می کرد. مثلاً هیچ وقت نمی گفت: «کتاب قرآن مرا بیاورید»؛ بلکه می گفت: «قرآن مرا ندیده‌اید؟» ولی پسر قلدر نه تنها دستور می دهد، که تهدید هم می کند: «برام آب بیار»، «غذای من چی شد؟»، «اگه تا شب برام موبایل را نخری، منم دیگه خونه نمی یام.» پسر قلدر شبیه بچه‌ها بهانه می گیرد: «اگه برام بستنی نخری، منم از جام تکون نمی خورم.»

پسر مقتدر به همه فکر می کند و مراقب آن هاست. او مسئولیت پذیر است و از مردانگی خود به دیگران بهره می رساند؛ ولی پسر قلدر فقط به خودش فکر می کند. او با بی مسئولیتی، بار خود را بر دوش خانواده و دیگران می گذارد و مرد بودن خود را امتیازی می داند تا بتواند از آن بهره ببرد.

وقتی پسر مقتدر کنار خواهر و مادرش است، «آب از آب تکان نمی خورد»؛<sup>۱</sup> ولی وقتی پسر قلدر کنار خواهر و مادرش است، «گوشت تَنشان می لرزد»<sup>۲</sup> و همه چیز «آتش زیر خاکستر است».<sup>۳</sup>

حضرت ابوالفضل علیه السلام مقتدر کربلا بود. تا حضرت عباس بود، کودکان و زنان حریم امامت، آسوده می خوابیدند و نگرانی نداشتند؛ چون نگهبانی مثل ابوالفضل بیدار بود و پاسداری می کرد؛ اما دشمن از هراس، خواب راحت نداشت.<sup>۴</sup> زمانی که حضرت عباس شهید شد، دشمن راحت خوابید و بچه‌ها دیگر خواب راحت نداشتند.

### ● پسر مقتصد

مادر بزرگ همیشه می گفت: «خدا همه چیز رو در یک روز خلق نکرده؛ ولی امان از این آدمیزاد که می خواد همه چیز رو یک روزه به دست بیاره و داشته باشه!»

یکی از دغدغه‌های مهم پسران، آموختن مهارت پول درآوردن و پول خرج کردن است. نان درآوردن کار مردان است؛ اما نان حلال درآوردن هنر مردان است. خانواده اولین و بهترین مکان برای تمرین و کسب این مهارت است. پسران باید در سن نوجوانی برنامه‌ریزی کردن برای آینده را یاد بگیرند، به شغل و حرفه خود در آینده

۱. کنایه از آرامش.

۲. کنایه از ترسیدن.

۳. کنایه از آرامش موقت.

۴. عباس قمی، نفس المهموم، ترجمه میرزا ابوالحسن شعرانی.





فکر کنند، بیاموزند چگونه نان حلال به دست بیاورند، آموزش ببینند چه چیزهایی نان حلال آن‌ها را حرام می‌کند تا در آینده از آن دوری کنند، بدانند چگونه باید کار کرد، چگونه باید درآمد کسب کرد، چگونه باید خرج کرد، چگونه باید پس‌انداز کرد و چگونه باید حساب دخل و خرج خود را داشت.

برخی معتقدند وقتش که برسد، «شَمِّ اقتصادی»<sup>۱</sup> پسران، مسیر را به آنان نشان می‌دهد؛ اما واقعیت این است که اگر شَمِّ اقتصادی پسران تقویت و تربیت نشود، یا «آب خوش از گلوی خودشان پایین نمی‌رود»<sup>۲</sup> یا «خون بقیه را در شیشه می‌کنند»<sup>۳</sup> در گذشته برای کاسب‌کارها، درس مکاسب<sup>۴</sup> می‌گذاشتند؛ اما در این زمانه، توجه به این امور کم شده است. پسران نوجوان باید قبل از شروع هر حرفه‌ای، این آموزش‌ها را ببینند یا خود به دنبال کسب اطلاعات در این زمینه باشند؛ چراکه اولین حقوق آنان، پایه‌های زندگی اقتصادی‌شان را می‌سازد.

مسئله مهم دیگر برای پسران، مدیریت خرج کردن است. ضرب‌المثل «پایت را اندازه گلیمت دراز کن»، جمله‌ای قشنگ و کاربردی است که توجه به واقعیت‌های زندگی و حدود را گوشزد می‌کند. این جمله برای برخی از نوجوانان ناراحت‌کننده است؛ چراکه آن‌ها دوست دارند به اندازه آرزوهایشان خرج کنند و نه به اندازه واقعیات زندگی. البته هیچ‌کس از داشتن زندگی راحت به اندازه آرزوهای بلندی که در سردارد، بدش نمی‌آید؛ ولی چرخ زندگی همواره بر وفق مراد نمی‌چرخد. اگر واقعیات پذیرفته شود، می‌توان برنامه‌ریزی درستی هم کرد.

توجه به درآمد و هزینه‌های خانواده این مدیریت را به پسران آموزش می‌دهد. گاهی پسران با بی‌توجهی به این مسئله، آرامش خانواده را فدای خواسته‌هایشان می‌کنند. جوانی می‌گفت: «در نوجوانی متوجه شدم که دو نفر از دوستانم دوچرخه گران‌قیمتی خریده‌اند که سرعت زیادی دارد. با آنکه خانواده ما به اندازه آن‌ها درآمد نداشت، اصرار زیادی کردم تا این دوچرخه را برایم در همان هفته بخرند. متوجه بودم که بار مالی سنگینی بر دوش خانواده خواهیم گذاشت؛ ولی از خواسته‌ام

۱. کنایه از اندیشه ثروت‌آفرینی.

۲. کنایه از راحتی نداشتن.

۳. کنایه از کسی را بسیار اذیت کردن، بسیار گران‌فروشی کردن.

۴. مکاسب کتابی است نوشته شیخ انصاری که مباحث فقهی درباره انواع معاملات و چگونگی انجام آن‌ها و چگونگی برهم‌زدن معاملات و انواع کسب حرام، را مطرح کرده است.

صرف نظر نکردم. در آن یک هفته، بارها پدر و مادرم سر این موضوع با هم دعوا کردند و نهایتاً مادرم با قهر از خانه رفت و پدرم با قرض دوچرخه را خرید. من دوچرخه دار شدم؛ اما هروقت به آن فکر می‌کنم، شرمند می‌شوم.»

حقیقت این است: «نداشتن عیب نیست.» برخی مواقع سختی کشیدن‌ها افراد را مسئول‌تر و متفکرت‌تر بار می‌آورد. این تجربه را به‌وفور درباره آدم‌های موفق که نامشان ماندگار شده است، می‌توان دید.

### ● چند تمرین کوچک اما جدی

■ گاهی به این موضوع فکر کنید که پدر و مادر خانواده، مسئول حل همه مشکلات اقتصادی خانواده نیستند. همه اعضای خانواده مسئولیت دارند.

■ سعی کنید یاد بگیرید که مراقب اموال خودتان باشید و آن‌ها را اداره کنید. این یعنی همان بلوغ اقتصادی که خانواده از شما می‌خواهد.

■ غالباً پسران با هزینه‌های زندگی چندان آشنا نیستند و این در آینده آن‌ها را سردرگم می‌کند. گاهی اوقات لیستی از مخارج زندگی و هزینه‌هایش را بنویسید و از درآمد خانواده کم کنید. این باعث واقع‌بینی شما درباره سطح اقتصادی خانواده‌تان می‌شود.

■ پول حاصل زحمت و تلاش طاقت‌فرسای پدر یا مادر یا هر دوی آن‌هاست. به این دسترنج احترام بگذارید. گاهی به محیط کار آن‌ها بروید و با شغلشان آشنا شوید. این، تواضعتان را در برابر آن‌ها بیشتر می‌کند.

■ اکثر خانواده‌ها به فراخور سطح مالی خود، به فرزندان‌شان پول توجیبی می‌دهند. با پول توجیبی، خوب خرج کردن را یاد بگیرید. این در آینده برایتان بسیار کارساز می‌شود.

■ قناعت کردن به ظاهر کار سختی است؛ به خصوص اگر تازه‌کار این میدان باشید. اما وقتی با قناعت کردن، از برخی از خواسته‌هایتان گذشتید و در عوض استقلال و بی‌نیازی به دست آوردید، خواهید فهمید که لذت و طعم این بی‌نیازی با هیچ چیز دیگر در دنیا قابل مقایسه نیست. البته ترفندهایی هم وجود دارد؛ مثل اینکه لیست ضروریات زندگی‌تان را داشته باشید و دور غیرضروری‌ها را خط بکشید؛ به اندازه داشته‌هایتان خرج کنید و نه خواسته‌هایتان؛ از مغازه‌های





معمولی خرید کنید، نه مغازه‌های لوکس؛ به کیفیت لباس و دوختش توجه کنید، نه مارک آن؛ گاهی به این فکر کنید که ساعت مچی با کیفیت خوب و قیمت مناسب، همان کاری را برای شما انجام می‌دهد که ساعت مارک‌دار با قیمت سرسام‌آور. این، حساست نیست؛ ذکاوت است.

■ وقتی از پول خودتان برای خانه خرید می‌کنید، سریع با پدر و مادرتان حساب و کتاب نکنید. این به شما شخصیت می‌دهد. مطمئن باشید آن‌ها چند برابر آن را برای شما جبران می‌کنند. در عوض، وقتی پدر و مادرتان به شما پولی می‌دهند تا خرید کنید، نگویند بی‌خیال و بقیه پول را برای خودتان بردارید. بلافاصله حساب و کتاب کنید و به آن‌ها گزارش بدهید. این باعث اعتماد بیشتر خانواده به شما می‌شود.

■ سعی کنید گاهی اوقات مقداری از پول توجیبی‌تان را برای روز «مبادا» پس‌انداز کنید. اسمش مباداست؛ اما زمان آن معلوم نیست. ممکن است یکی از همین روزها سروکله‌اش پیدا شود؛ ممکن است هیچ‌وقت پیدایش نشود. اما اگر ببیاید، داشتن پس‌اندازی ناچیز، برایتان دلگرم‌کننده است. اگر هم نیاید، ثروتی کوچک محسوب می‌شود.

### ● پسر شوخ طبع

یک لحظه شادی، مانند روشن کردن نورافکن در فضای تاریک است که دید انسان را بهتر و امید را بیشتر می‌سازد.

شوخ طبعی و بذله‌گویی، یکی از ویژگی‌های مثبت برای پسران است که در کنار ابهت و منش مردانه‌شان، آن‌ها را دلپذیر می‌کند. پسران به راحتی می‌توانند با لطیفه‌گویی، روی نگرانی‌شان سرپوش بگذارند. از لحاظ تربیتی، معلوم شده است که پسران با لطیفه‌گویی می‌توانند خودشان را مطرح سازند. آن‌ها این‌گونه، اعتمادبه‌نفس بیشتری به دست می‌آورند.

همچنین شوخ طبعی یکی از روش‌های بسیار مفید در برقراری ارتباط بین اعضای خانواده است که فضای خانه را تلطیف و روابط آزردهنده را کم و جبران می‌کند. کسانی که می‌توانند به خوبی شوخی کنند و شوخی‌های دیگران را نیز تحمل کنند، زندگی را برای خود و خانواده رضایت‌بخش‌تر می‌کنند. افراد شوخ طبع، اصولاً این



توانایی را دارند که حوادث و پدیده‌ها را از زوایای دیگر نیز مشاهده کنند. آن‌ها توان تحلیل و نقد مسائل را بیشتر از دیگران دارند.

شوخی طبعی به‌عنوان یکی از مهارت‌های مهم زندگی، تیغ برنده و دولبه‌ای است که باید در زمان مناسب و برای جلب قلوب دیگران از آن استفاده شود. نباید با شوخی کردن باعث ناراحتی دیگران شد. رسول اکرم ﷺ به یارانش می‌فرمود: «من شوخی می‌کنم؛ اما جز حق نمی‌گویم.»<sup>۱</sup> خداوند کسی را که در میان جمع، شوخی و خوشمزگی می‌کند، دوست دارد؛ به شرط آنکه ناسزا و فحش نگوید.<sup>۲</sup>

شوخی کردن در خانواده، با شوخی در جمع دوستان بسیار متفاوت است. پسران اصولاً در بین هم‌جنس‌های خود، با کارهای نمایشی خنده‌دار، ردوبدل کردن ضربه‌های مشت، زمین‌خوردن و حتی دلقک‌بازی، شوخی خویش را نشان می‌دهند؛ در حالی که در خانواده به‌خصوص با مادر یا خواهر، انجام برخی از این شوخی‌ها مناسب نیست.

### ● چند نکته درباره شوخی کردن

- کسی که با دیگران شوخی می‌کند، دیگران هم با او شوخی می‌کنند. پس باید ظرفیت شوخی کردن دیگران را داشته باشد.
- نباید در شوخی کردن ضعف‌ها یا اشتباه‌های دیگران را مطرح کرد و باعث ناراحتی یا احساس شرمساری آنان شد.
- نباید اسرار دیگران را در شوخی‌ها فاش کرد.
- دیگران را نباید مسخره کرد. به ظرفیت طرف مقابل در شوخی باید توجه داشت.

■ از همه مهم‌تر اینکه نباید افراط کرد و کنترل خود را از دست داد. در شوخی باید تعادل را نگه داشت. امام صادق ﷺ می‌فرماید: «شوخی زیاد ارج و احترام را می‌برد و موجب دشمنی می‌شود.»<sup>۳</sup> بیرون آمدن از فضای شوخی، برای

۱. رسول اکرم ﷺ: إِيَّيْ أَمْرُحٌ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا (ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۳۰).  
۲. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلَا رَفَثٍ.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْجَالٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَزَقِدٍ وَعَلِيِّ بْنِ عُقَيْبَةَ وَثَعْلَبَةَ رَفَعُوهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَآبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَحَدِهِمَا ﷺ قَالَ: كَثْرَةُ الْمَزَاحِ تَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَكَثْرَةُ الضَّحِكِ تَمْجُؤُ الْإِيمَانَ مَجْأً (محمدبن حسن طوسی، الأمالی، المجلس الثامن عشر).



حفظ شخصیت لازم است .

■ می‌توان برای شروع، از سوتی‌ها و اشتباه‌های خنده‌دار خود برای تلطیف فضا استفاده کرد.

■ در شوخی، شأن طرف مقابل را باید حفظ کرد. مردان بزرگ اجازه نمی‌دهند کسی از حرف آنان ناراحت شود.

خداوندا، مریاری کن تا زندگی بیهوده‌ای نداشته باشم



## کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، قاهره: دار الإحياء الكتب العربيه، ۱۳۷۸ ق.
- احمدی، علی‌اصغر، نوجوان و خانواده، تهران: مهدی رضایی، ۱۳۸۵.
- بانکی‌پور فرد، امیرحسین و احمد قماشچی، کودک، نوجوان و جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، قم: زیتون، ۱۳۸۰.
- بانکی‌پور فرد، امیرحسین، عیش و معاش، اصفهان: حدیث راه عشق، ۱۳۹۴.
- بیدالف، استیو، هنر پسرداری، ترجمه ملوک عزیززاده، تهران: نشر آسیم، ۱۳۸۸.
- پورامینی، بانوا، راه‌های کسب آرامش در خانواده، قم: سمیع، ۱۳۸۶.
- حر عاملی (شیخ)، وسائل الشیعه، قم: آل‌البیت (عج)، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی، داوود و علی‌احمدپناهی، شکفتن سهم توست، قم: امام‌خمینی، ۱۳۸۶.
- ساکس، لئونارد، وضعیت اسف‌بار پسران، ترجمه نرگس‌سادات چاوشی، تهران: معارف، ۱۳۸۸.
- سنت‌اگزوپری، آنتوان دو، شازده کوچولو، ترجمه محمد قاضی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- شهباز ورزنه، ابوالقاسم، عظمت یک نگاه؛ مقام والدین، قم: شهاب‌الدین، ۱۳۸۸.
- صدوق (شیخ)، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اسلامی، ۱۳۶۰.
- عطاردی، سیدحسن، راهنمایی پدران و مادران در تربیت نوجوانان و جوانان، تهران: منیر، ۱۳۸۵.
- علی‌بن‌ابی‌طالب (ع)، نهج البلاغه.
- علی‌بن‌حسین (ع)، رساله حقوق.
- علی‌بن‌حسین (ع)، صحیفه سجاده.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب، اصول کافی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۵.
- گروه نویسندگان، معجم الوسیط، ج ۲.
- گوریان، مایکل، پسران نوجوان، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران: نقش‌ونگار، ۱۳۸۹.
- گوریان، مایکل، دنیای شگفت‌انگیز پسران، ترجمه سهیلا خسروی، تهران: نشر اوحدی، ۱۳۸۸.
- گوریان، مایکل، مادران و پسران، ترجمه توران دخت تمدن (مالکی)، تهران: نقش‌ونگار، ۱۳۸۸.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی، کاظم، گلشن راز، انتشارات نجم کبری، ۱۳۸۶.





### توضیحات شرکت در مسابقه فرهنگی «پسرانه»

سؤال‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

#### به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

- ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ برای این کار، کافی است به ترتیب، نام مسابقه، شماره گزینه‌های صحیح سؤال‌ها به صورت يك عدد پنج‌رقمی از چپ به راست و نام و نام خانوادگی خود را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.
- مثال: پسرانه ۱۴۱۳۲ سیدرضا کاظمی
- مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی: [www.razavi.aqr.ir](http://www.razavi.aqr.ir)
- پاسخ به سؤال‌ها در پاسخنامه: پاسخنامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در کیوسک‌های راهنمای زائر بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

#### هزینه ارسال پاسخنامه از طریق «پست جواب قبول» پرداخت شده است و نیازی به استفاده از پاکت و تمبر نیست.

- پیامک‌ها و پاسخنامه‌های تکراری و ناقص حذف می‌شود.
- آخرین مهلت شرکت در مسابقه، يك ماه پس از دریافت کتاب است.
- قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.
- این متن حاوی آیات قرآن و اسماء متبرکه است. شایسته است در حفظ حرمت آن کوشا باشیم
- تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه‌ای ارسال کنید.
- تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹



**سوال اول:** خصوصیات پسران پس از بالغ شدن که برای نقش آفرینی آنها در مراحل مختلف زندگی شان مفید است در کدام گزینه ذکر شده است؟

۱. قوت بدنی، انرژی سرشار، فردگرایی، فداکاری
۲. قوت بدنی، انرژی سرشار، رقابت و نبرد، فداکاری
۳. قوت بدنی، بروز شدید احساسات، قدرت حل مسأله، فداکاری
۴. قوت بدنی، انرژی سرشار، رقابت و نبرد، فردگرایی

**سوال دوم:** «در هیچ خانواده‌ای پسری زاده نشد مگر آن که عزتی یافتند که پیش از آن نداشتند.» این سخن از کیست؟

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۲. امام علی علیه السلام
۳. امام صادق علیه السلام
۴. امام حسین علیه السلام

**سوال سوم:** امام رضا علیه السلام در پاسخ به شخصی که عرض کرد مردی را می‌شناسم که دخترش را بیشتر از پسرش دوست دارد و به او محبت می‌کند، چه فرمودند؟

۱. دختر و پسر با هم مساوی‌اند
۲. دختر و پسر نزد خداوند هیچ تفاوتی با هم ندارند
۳. محبت پدر به دختر باید کمی بیشتر باشد
۴. گزینه ۱ و ۲

**سوال چهارم:** امام صادق علیه السلام کسی را که بابت زحمات دیگران تشکر نمی‌کند، به چه تشبیه کرده‌اند؟

۱. به راهزنی تشبیه کرده‌اند که خیر و نیکی را از مردم می‌دزدد
۲. به فردی که اعمال خوب وی هیچ وقت پذیرفته نمی‌شود
۳. به فرزندی که زحمات والدینش را نادیده و موجب رنجششان شده است
۴. به آدم پولداری که خیرش به کسی نمی‌رسد

سوال پنجم: امام صادق علیه السلام در ضمن حدیث خویش عواقب شوخی زیاد را چه دانسته‌اند؟

۱. ارج و احترام را می‌برد و موجب دشمنی می‌شود
۲. باعث خنده و خوشحالی بقیه می‌شود
۳. شوخی زیاد باعث بی‌آبرویی انسان است
۴. گزینه ۱ و ۲



## پاسخ نامه مسابقه فرهنگی «کلبه آرامش - پسرانه»

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: .....

تحصیلات: ..... استان: ..... شهر: .....

تلفن ثابت باکد شهر: ..... شماره همراه: .....

سؤال	گزینه	۱	۲	۳	۴
سؤال اول					
سؤال دوم					
سؤال سوم					
سؤال چهارم					
سؤال پنجم					

## فرم نظر سنجی کتاب

ردیف	موضوع	بسیار خوب	خوب	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب سؤالات با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
<p>نظرها، پیشنهادهای و انتقادات:</p> <p>-----</p> <p>-----</p> <p>-----</p>						

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

## پست جواب قبول



..... فرستنده:  
.....  
.....  
..... کد پستی:

از این قسمت تا شود

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی  
صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵